عربی اختصاصی

**** عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للتّرجمة أو المفهوم:**

۱- قالوا: لا علمَ لنا إنّک أنتَ علامُ الغیوب:

۱) گویند: ما هیچ دانشی نداریم، فقط تویی که به غیب آگاهی!
۲) گفتند: ما علم نداریم، قطعاً تویی که به شدت به غیب بسیار دانایی!
۳) گویند: برای ما علمی نیست، همانا فقط تو به نهان‌ها آگاهی داری!
۴) گفتند: هیچ دانشی نداریم، قطعاً تو بسیار دانای نهان‌ها هستی!

۲- للغُرابِ صوتٌ یُحَذِّرُ به غیرَه من الحَیَواناتِ عند حدوثِ الأخطارِ لتَبتعدَ عنها بسرعة:

۱) صدای کلاغ برای غیر از جانوران، هشداری است که آن‌ها را از خطرات دور می‌کند!
۲) کلاغ صدایی دارد که با آن دیگر حیوانات را هنگام رخ دادن خطرات هشدار می‌دهد تا به سرعت از آن‌ها دور شوند!
۳) برای کلاغ صدایی است که با آن دیگر حیوانات از خطرات آگاه می‌شوند و به سرعت از آن‌ها دور می‌شوند!
۴) صدای کلاغ هشداری هنگام رخ دادن خطرها است، تا به سرعت آن‌ها را از خطرها دور کند!

۳- إنّی أعرفُ أنّ خمسةً و عشرینَ طالباً من طلّابِ هذینِ الصفّینِ قد فازوا فی الامتحان:

۱) من ۵۲ دانشجو از دانشجویان این دو کلاس را که در امتحان موفق شدند، می‌شناسم!
۲) من می‌دانم که ۲۵ دانشجو از دانشجویان این دو کلاس در امتحان قبول شده‌اند!
۳) من می‌دانم که ۵۲ دانشجو از دانشجویان این دو کلاس، در امتحان قبول شده‌اند!
۴) من از دانشجویان آن دو کلاس ۲۵ دانشجو را می‌شناسم که در امتحان موفق شدند!

۴- کأنَّ البائعَ کانَ یَتَردَّدُ فی بیعِ سیّارته لکنّ المُشتری کان قد عَزَمَ علی شراءِها:

۱) گویی فروشنده در فروش اتومبیل خود، تردید می‌کرد، اما مشتری تصمیم بر خرید آن گرفته بود!
۲) فروشنده در فروختن ماشین خود، تردید داشت، اما خریدار جهت خرید آن مصمم بود!
۳) گویا که فروشنده در فروش اتومبیل مردد بود، اما خریدار مصمم بر خرید آن شده بود!
۴) مثل اینکه خریدار برای فروختن ماشین خود تردید کرده بود و مشتری تصمیم به خریدن آن گرفته بود!

۵- ألقَی أستاذی مُحاضَرةً فی جامِعَةِ بطَهرانَ عَن اللُّغَةِ العَرَبِیَّةِ فی عالَمِ الیوم والمَشاکلَ التی تُواجِهُها هذهِ اللُّغةُ: استادم....

۱) در دانشگاه تهران درباره مشکلات زبان عربی در دنیای امروزی و راه‌های مواجهه با آن سخنرانی می‌کند!
۲) در دانشگاهی در تهران، درباره زبان عربی در جهان امروز و مشکلاتی که این زبان با آن مواجه است، سخنرانی کرد!
۳) درباره زبان عربی، در جهان امروز و مشکلاتی که با این زبان روبرو است، در دانشگاهی در تهران سخنرانی کرد!
۴) در دانشگاه تهران در خصوص زبان عربی و مشکلات امروز آن در جهان و چالش‌های فراروی آن سخنرانی می‌کند!

۶- عیّن الصّحیح:

۱) حُکِیَ أنَّ شابّاً کانَ یَکذِبُ علی الآخَرینَ: حکایت شده است که مردی به دیگران دروغ می‌گفت،
۲) فی یومٍ کانَ یَسبَحُ فی البَحرِ و کادَ أن یَغرقَ فیه: در روزی در دریا شنا می‌کرد و نزدیک بود که در آن غرق شود،
۳) فَنادی أصحابَه و طَلَبَ المُساعَدَةَ مِنهُم: پس دوستانش را صدا زد و به آن‌ها گفت کمکش کنند،
۴) لکنَّهُم ظنّوا أنّه یَکذِبُ فَلَم یَلْتَفِتُوا إلیه: اما آنان گمان کردند که به آن‌ها دروغ می‌گفت، پس به او توجه نکردند!

۷- عیّن الخطأ:

۱) إذا فَقَدْتَ مکانَ بُذورِکَ الّتی بَذَرْتَها یوماً: اگر روزی مکان بذرهایی را که آن را کاشتی گم شد،
۲) سَیُخبِرُکَ المطرُ الّذی یمطرُ أینَ قد زرعتَها: بارانی که می‌بارد به تو خبر خواهد داد که آن را کجا کاشته‌ای،
۳) فَلِذلِکَ افعَلِ الخَیرَ فَوقَ أیّ أرضٍ و تَحتَ أیّ سماءٍ: لذا بالای هر زمینی و زیر هر آسمانی خیر انجام ده،
۴) فأنتَ لا تَعلَمُ أینَ و مَتی سَتَجِدُه: چه تو نمی‌دانی آن را کجا و کی خواهی یافت!

۸- «ای کاش دینامیت اختراع نشده بود تا ضد بشر به کار گرفته شود»: عیّن الصّحیح:

۱) لعلّ الدّینامیتَ ما کانَ یَخترِع لِیَستَخدم ضدّ البشریّة!
۲) لیت الدّینامیتَ لم یَکُن یُخترَعُ لِیُستَخدَمَ علی البشر!
۳) لعلّ الدّینامیتَ ما کان أُخترِعَ حتّی استَخدمَ علی البشریّةِ!
۴) لیتَ الدّینامیت لم یکن یَخترِع لاستخدامه ضدّ البشر!

۹- عیّن المناسب فی المفهوم التّالی: «کلّ وعاء یضیقُ بما جعل فیه إلّا وعاء العلم فإنّه یتّسع»

۱) تتّسعُ نظرةُ الإنسانِ للحیاة کلّما ازداد علمه!
۲) لا نهایة لوعاء العلم حجماً!
۳) العلم کالوعاء، محدود حجمُه متّسع معناه!
۴) العلم النّافع ما عُمل به!

۱۰- عیّن الخطأ فی ضبط حرکات الکلمات:

۱) لِیَرجِعْ أولئکَ الطلّابُ إلی السّاحةِ و لا یَذهبوا بعیداً!
۲) لأبعُدَ نَفسی عَنِ الکِذبِ حاولتُ کثیراً جِدّاً!
۳) المؤمِنُ لِیَعتَمِدَ علی نفسِه ولا یُقَلِّدَ الآخرینَ أبداً!
۴) أسافِرُ إلی قَریَتی لِأبحَثَ عَن موضوعٍ مهمٍّ!

**** عيّن الصّحيح فی الإعراب و التّحليل الصّرفی**

۱۱- يومَ ينظرُ المرء إلی ما قدّمت يداه و يقول الكافر يا ليتنی كنت تراباً:

۱) ينظر: فعل مضارع ـ مجرد ثلاثی ـ للغائب ـ معرب/ فعل و مع فاعله جملة فعلية

۲) المرء: اسم ـ مفرد ـ مذكر ـ معرب/ مفعول لفعل ينظر

۳) قدّمت: فعل ماض ـ مصدره علی وزن تفعّل ـ مبنی/ مع فاعله «يدا» جملة فعليّة

۴) يداه: اسم ـ مفرد ـ مؤنث ـ جمع تكسيره: الأيدی/ فاعل لفعل قدّمت

۱۲- أنفقوا ممّا رزقناكم من قبل أن يأتیَ يوم لا بيعَ فيه و لا خلّة و لا شفاعة:

۱) أنفقوا: فعل ماض ـ للمخاطبين ـ مصدره «إنفاق»/ فعل و مع فاعله جملة فعليّة

۲) رزقنا: فعل ماض ـ للمخاطبين ـ مبنی/ فعل و مفعوله ضمير «كم»

۳) يأتی: فعل مضارع ـ للغائب ـ معرب/ فعل و مفعوله «يوم» و الجملة فعلية

۴) بيع: اسم ـ مفرد ـ مذكر ـ معرب/ اسم لا النّافية للجنس

۱۳- تكلّموا تُعرَفوا فالمرءُ مخبوءٌ تحت لسانِه:

۱) تَكَلّموا: فعل أمر ـ للغائبين ـ مبنی/ فعل و مع فاعله جملة فعلية

۲) تُعرَفوا: فعل مضارع ـ للمخاطبين ـ معرب/ فعل و مع نائب فاعله جملة فعلية

۳) مخبوء: اسم المفعول ـ نكرة ـ معرب/ صفة لموصوف «المرء»

۴) لسانِ: اسم ـ مفرد جمعه «ألسنة» و هی مؤنث ـ معرب/ مضافإليه

**** عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التّالية**

۱۴- عيّن «العَلَم» مبتدأ:

۱) أنا مدينة العلم و عليّ بابها!

۲) إنّ اللهَ رحيمٌ و يغفر عبادَه!

۳) وجدتَ تبريز من إحدی المحافظات الجميلة!

۴) حديقـة شاهزاده جنّـة فی الصّحراء!

۱۵- ميّز «واو» حالیةً:

۱) شاهدتُ أختی و هی تصلّی!

۲) نحنُ بانتظاركَ مُشتاقين و مسرورين!

۳) كأنَّ زميلی يتكلّمُ و لا يستمِعُ إلی المعلّم!

۴) أنا كتبتُ واجباتی و لعبتُ مع أختی!

۱۶- عيّن اسم المكان يختلف عن البقية فی المحلّ الإعرابی:

۱) بعد زيارة مراقد الشّهداء صلّينا!

۲) يُعتبر الذّهبُ من المعادنِ الغالية جداً!

۳) علی الحكومة بناءُ مدارس جديدة للطلّاب!

۴) جنبَ مكاتب قريَتنا تجدُ بيتاً خشبيّاً

۱۷- عيّن ما لا يعادل المضارع التزامی من حيث المعنی:

۱) رجعتُ إلی قريتی لأزور جدّی و جدّتی مرة أخری!

۲) لن أرجِع، لأنّ عندی أعمال كثيرة!

۳) لا أذهبُ من هنا إلّا أن تَعفونی يا صديقی!

۴) جعل الله حكماً كثيرةً فی مسيرنا كی ننتفع بها!

۱۸- عيّن لام الأمر:

۱) ذهبتُ إلی الإدارة لأستلم الرّسالة من الموظّف!

۲) ليذهب الطّلابُ بعيداً لأنّ حولنا أخطاراً كثيرةً!

۳) أيها المسلمون! اُدعوا ربّكما أكثرَ لِيغفر ذنوبَكم!

۴) لنحصل علی النّجاح يجب أن نحاول أكثر فأكثر!

۱۹- عيّن الصّحيح فی المنادی:

۱) أيّتها الإخوة! رجاءً اجلسوا هُنا!

۲) يا المعلّمة الملتزمة! لا تنسی واجباتک!

۳) يا أيّها أبنائی! كَم يسعونَ لخدمة أبدانِكم؟

۴) يا إلهی لقد أخطأتُ أرجوک أن تَعفونی!

۲۰- ..... الأولاد أبناءهم ..... دائماً. عيّن المناسب للتأكيد علی وقوع الفعل:

۱) يُساعِد ـ مُساعَدَةً ۲) تَخدِم ـ خدمةً صادقةً ۳) يشكُرُ ـ شاكرين ۴) يحبّون ـ حبّاً شديداً